

Comparison of musculoskeletal abnormalities among students with apple- and pear-shaped obesity

Fathi S., BS¹, Norasteh A.A., PhD², Samami N., PhD³

1..MSc Student, Department of Corrective Exercise and sport Injuries, School of Physical Education and sport Sciences, University of Guilan, Iran (Corresponding Author), Tel: +98-87-53713308, saywan71@Gmail.Com

2. Associate Professor, Department of Corrective Exercise and sport Injuries, University of Guilan, Iran.

3. Assistant Professor, Corrective Exercise and sport Injuries, Physical Education and Sport Sciences, University of Guilan, Rasht, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Status abnormalities are adverse changes which can cause deformity in the skeletal structure and the natural direction of the posture. Obesity is among the causes of status abnormalities. The important issue is the distribution of additional fat in the body. The aim of this study was to compare muscle and skeletal abnormalities between the students with apple-shaped and pear-shaped obesity.

Material and Methods: Study population included all male high-school students in Sanandaj. 79 students were selected by purposeful cluster sampling and divided into three groups: apple-shaped obesity (n=21), pear-shaped obesity (n=23), and normal weight (n=34). In order to assess abnormalities, we used photography for forward head and forward shoulder, flexible ruler for kyphosis and lordosis, caliper for genu valgum and genu varum, and navicular drop test for flatfoot. Using SPSS22 software, data were analyzed by one-way analysis of variance (ANOVA). $P < 0.05$ was considered significant.

Results: We found significant differences between every two groups in regard to different abnormalities as following: forward head ($P \leq 0.012$) and forward shoulder ($P \leq 0.001$) between normal and apple-shaped obesity groups, lordosis between apple-shaped and pear-shaped obesity groups ($P \leq 0.047$), and also between normal and apple-shaped obesity groups ($P \leq 0.046$), genu varum ($P \leq 0.0001$) between normal and pear-shaped obesity groups and also between normal and apple-shaped obesity groups ($P \leq 0.0001$); flatfoot ($P \leq 0.0001$) between normal and pear-shaped obesity groups ($P \leq 0.0001$) and also between apple-shaped and normal groups ($P \leq 0.0001$).

Conclusion: Apple and pear-shaped obesity have different effects on the stature structure and rate of complications. We recommend corrective exercise training programs and weight control in obese subjects according to the type of obesity.

Keywords: Obesity, Apple-shaped obesity, Pear-shaped obesity, Fat distribution, Musculoskeletal abnormalities.

Received: Jul 4, 2016 **Accepted:** Oct 29, 2016

مقایسه‌ی ناهنجاری‌های عضلانی اسکلتی دانش‌آموزان چاق سیبی و گلابی شکل

سیوان فتحی^۱، علی اصغر نورسته^۲، نادر سماهی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی (گرایش آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی)، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (مؤلف

مسئول)، تلفن ثابت: ۰۰۸۷-۵۳۷۱۳۳۰۸ saywan71@Gmail.Com

۲. دکتری تخصصی فیزیوتراپی، دانشیار گروه آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

۳. استادیار گروه آسیب‌شناسی ورزشی و حرکات اصلاحی، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: ناهنجاری‌های وضعیتی، تغییرات نامطلوبی هستند که ساختار اسکلتی و راستای طبیعی قامت را برهم می‌زنند. چاقی از جمله عوامل بروز ناهنجاری‌های وضعیتی به شمار می‌آید. مسئله‌ای که مهم است، نحوه‌ی توزیع چربی اضافی در بدن می‌باشد. از این رو، هدف از انجام این پژوهش مقایسه‌ی ناهنجاری‌های عضلانی اسکلتی در چاقی سیبی و گلابی شکل بود.

روش بررسی: جامعه آماری پژوهش، کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان شهر سمنان بودند؛ که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای هدفمند ۷۹ نفر در سه گروه؛ چاقی سیبی (۲۱ نفر)، چاقی گلابی (۲۳ نفر) و وزن نرمال (۳۴ نفر) به عنوان نمونه قرار گرفتند. برای ارزیابی ناهنجاری‌های سر به جلو و شانه به جلو از روش عکسبرداری، کایفوز و لوردوز از خط کش منعطف، زانوی ضربدری و پرانتزی از کولیس و کف پای صاف از روش افت ناوی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) در سطح معناداری $P \leq 0/05$ با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ انجام گرفت.

یافته‌ها: نتایج مطالعه حاضر نشان داد بین گروه‌های سیبی و نرمال در عارضه سر به جلو ($P < 0/012$) و شانه‌گرد ($P < 0/001$)؛ در عارضه لوردوز بین گروه‌های سیبی با گلابی ($P < 0/047$)، سیبی با نرمال ($P < 0/046$)؛ در زانوی پرانتزی بین گروه نرمال با جفت گروه‌های سیبی و گلابی شکل ($P < 0/001$)؛ در زانوی ضربدری بین گروه‌های سیبی با نرمال ($P < 0/002$)، گلابی با نرمال ($P < 0/001$)؛ و در کف پای صاف بین گروه نرمال با جفت گروه‌های سیبی و گلابی شکل ($P < 0/002$) اختلاف معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: چاقی سیبی و گلابی شکل اثرات متفاوتی بر روی ساختار قامتی و میزان عارضه‌ها در بدن دارند. لذا توصیه می‌شود برنامه‌های تمرینی اصلاح قامت و کنترل وزن افراد چاق براساس نوع چاقی این افراد تهیه و اعمال شود.

کلمات کلیدی: چاقی، چاقی سیبی شکل، چاقی گلابی شکل، توزیع چربی، ناهنجاری عضلانی اسکلتی

وصول مقاله: ۹۵/۴/۱۴ اصلاحیه نهایی: ۹۵/۸/۵ پذیرش: ۹۵/۸/۸

مقدمه

یکی از مهمترین شاخص‌های سلامت عمومی برخورداری از ساختار قامتی مناسب، به عبارتی وضعیت بدنی مطلوب^۱ است (۱). وضعیت بدنی مطلوب از نظر کندال^۲ وضعیتی است که خط کشش ثقل^۳ از نزدیکترین نقطه به مرکز مفصل عبور کند؛ که باعث کاهش فشارهای وارده و بالا رفتن کارایی بدن می‌شود (۲). انحراف از وضعیت مطلوب می‌تواند میزان توزیع فشارهای وارده بر روی مفاصل را تغییر داده و منجر به ناهنجاری‌های وضعیتی^۴ شود (۳). ناهنجاری‌های وضعیتی، تغییرات نامطلوبی هستند که ساختار اسکلتی بدن و راستای طبیعی قامت را برهم می‌زنند (۲). این ناهنجاری‌ها به واسطه‌ی عوامل مختلفی از جمله: عوامل ارثی، اختلالات ساختار آناتومیک بدن، عادات پاسجری، شغل (۴)، حفظ وضعیت‌های نامناسب برای مدت طولانی، شیوه زندگی مدرن، تماشای تلویزیون، سرگرمی‌های ویدیویی، حمل و نقل ماشینی، فست فود، عدم فعالیت بدنی و در رأس این عوامل، چاقی و اضافه وزن می‌باشد (۵). چاقی به تجمع بیش از حد یا غیر طبیعی چربی در بافت چربی گفته می‌شود (۶) که از جمله عوامل خطر زای قلبی و مشکلات متابولیک و عاملی برای بروز ناهنجاری‌های وضعیتی در کودکان، جوانان و بزرگسالان است (۷و۸). مسئله‌ای که علاوه بر تعریف متداول چاقی و از نظر تأثیر بر سلامتی فرد مهم است، نحوه‌ی تجمع چربی اضافی در بدن می‌باشد؛ چربی در بعضی از نواحی بدن مانند: شکم، پهلوها، باسن و ران‌ها راحت‌تر از سایر قسمت‌های بدن تجمع می‌یابد لذا بر همین اساس (محل انباشت چربی اضافی در بدن) چاقی به دو دسته‌ی کلی چاقی سیبی شکل^۵ که چربی عمدتاً در نواحی بالاتنه (شکم و پهلوها) و چاقی گلابی

1. Optimal Posture
2. Kendal
3. Line of Gravity
4. Postural Abnormalities
5. Apple-Shaped Obesity

شکل^۶ که چربی عمدتاً در نواحی پایین تنه (باسن و ران‌ها) تجمع می‌یابد، تقسیم می‌شود (۹). چندین شاخص میدانی برای ارزیابی نوع چاقی وجود دارد که می‌توان به نسبت دور کمر به دور باسن (WHR)^۷ اشاره کرد؛ این شاخص از تقسیم دور کمر به دور باسن محاسبه می‌شود که مقادیر بالاتر از ۱ برای مردان و ۰.۸ برای زنان نشان دهنده‌ی چاقی سیبی و مقادیر کوچک‌تر از آن به عنوان چاقی گلابی شکل در نظر گرفته می‌شود (۹). براساس گزارش سیلوا و همکاران (۲۰۱۱) چاقی عامل اصلی بروز ناهنجاری‌های وضعیتی است (۷). در همین راستا دادبان و همکاران (۲۰۱۳) (۱۰)، روسل و همکاران (۲۰۱۰) (۱۱) اضافه وزن را عاملی برای بروز ناهنجاری‌های وضعیتی اعلام کردند.

اصولاً تغییرات بیومکانیکی حاصل از راستای طبیعی می‌تواند نیروی وارده بر مفصل، کارایی مکانیکی عضلات و کارکرد حس عمقی را تحت تأثیر قرار دهد (۱۲) زیرا هنگامی که مرکز ثقل یک قسمت از بدن از راستای طبیعی خود خارج شود، ناهنجاری‌های وضعیتی اتفاق خواهد افتاد (۱۳) از سوی دیگر، نحوه‌ی توزیع چربی اضافی در بدن، تغییرات مرکز ثقل بدن و تنه را به دنبال دارد؛ بنابراین احتمال می‌رود که نحوه‌ی توزیع چربی اضافی در بدن بر روی ساختار قامت و در ایجاد شدت و نوع خاصی از ناهنجاری‌های عضلانی اسکلتی دخالت داشته باشد. همانطور که بیان شد در سال‌های اخیر پژوهش‌های فراوانی در مورد تأثیر چاقی بر ناهنجاری‌های عضلانی اسکلتی انجام گرفته که نتایج متفاوتی را گزارش کرده‌اند. در این پژوهش‌ها چاقی به صورت یک واحد کل؛ یعنی به عنوان یک بار اضافی کل بر بدن در نظر گرفته شده است، در حالی که از دیدگاه بیومکانیکی ساختارهای بدن می‌توانند با کلاس چاقی و توزیع توده بدنی در تنه و اندام تحتانی متفاوت باشد (۱۴).

6. Pear-Shaped Obesity
7. Waist-to-Hip Ratio

شاید دلیل گزارش های متفاوت پژوهش های پیشین در این زمینه، همین امر؛ یعنی بررسی ناهنجاری های عضلانی اسکلتی در افراد چاق بدون در نظر داشتن نوع چاقی و نحوه ی توزیع چربی اضافی در بدن باشد. از جمله: کراتینوا و همکاران^۱ (۲۰۰۷) (۱۵) گزارش کردند که کودکان با وزن بالاتر دارای وضعیت بدنی مطلوب تری هستند؛ رومرووارگاس و همکاران^۲ (۲۰۱۳) (۱۶) ارتباط معناداری بین لوردوز با شاخص توده بدنی گزارش نکرد؛ در حالی که متناقض با این یافته ها، روسل و همکاران^۳ (۲۰۱۰) (۱۱) با تحقیق روی ۳۵ کودک چاق با سن ۱۰ تا ۱۵ سال ارتباط چاقی را با تغییرات والگوس پاشنه، زانوی عقب رفته و زانوی ضربدری، تیلت قدامی لگن و پروترکشن سر یافتند؛ همچنین ریدولا و همکاران^۴ (۱۹۹۳) عنوان کرده اند که مرکز ثقل در افراد چاق با شکم های بزرگ جلو می آید که همرا با افزایش لوردوز کمری و آنتی ورژن لگن و کایفوز نیز در یک وضعیت جبرانی نسبت به لوردوز گردنی و پروترکشن سر افزایش می یابد (۱۷). با توجه به نبود پیشینه ی کافی دال بر تأثیر توزیع چربی اضافی بر ناهنجاری های عضلانی اسکلتی و همچنین ضد و نقیض بودن پژوهش های پیشین در ارتباط با تأثیر خود چاقی بر ناهنجاری های عضلانی اسکلتی، پژوهشگر بر آن شد با مقایسه ی ناهنجاری های عضلانی اسکلتی در ارتباط با نوع چاقی را بررسی کرده و به تأثیر نحوه ی توزیع چربی اضافی بر میزان ناهنجاری های عضلانی اسکلتی بپردازد.

روش بررسی

پژوهش حاضر از نوع همگروهی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه ی دانش آموزان پسر شهر سمنان تشکیل دادند که در مقطع دبیرستان (دوره ی دوم) نیمسال دوم سال

۹۴-۹۵ مشغول به تحصیل بودند (۳۵۰۰ نفر). ابتدا از چهار منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب ۸ مدرسه به صورت خوشه ای تصادفی انتخاب شده و از این مدارس به صورت تصادفی ۷۰۰ نفر از دانش آموزان انتخاب گردید و وضعیت وزن این دانش آموزان بر اساس شاخص توده بدنی مشخص شد که از این تعداد دانش آموزان ۶۲ نفر چاق (۸/۸٪)، ۷۰ نفر لاغر (۱۰٪)، ۷۵ نفر اضافه وزن (۱۰/۷٪) و ۴۹۳ نفر با وزن نرمال (۷۰/۴٪) بودند. سپس آزمودنی ها چاق بر اساس نسبت دور کمر به باسن به دو گروه چاق سیبی و گلابی شکل تقسیم بندی شدند که تعداد ۳۰ نفر (۴۸٪) آنان چاق سیبی و ۳۲ نفر (۵۲٪) چاق گلابی شکل بوده که در نهایت ۴۴ نفر (۲۱) نفر چاق سیبی و ۲۳ نفر چاقی گلابی) در گروه چاق و ۳۴ نفر در گروه با وزن نرمال انتخاب شدند. تمام آزمودنی های انتخاب شده از لحاظ شکل ظاهری به بلوغ جسمی دست یافته بودند و فاقد شکستگی اسکلتی، مشکلات بینایی و بیماری های عضلانی اسکلتی بودند؛ همچنین تمام آزمودنی های مورد پژوهش غیر ورزشکار بودند؛ این موارد علاوه بر چاقی از شرایط ورود و خروج به پژوهش بود که در نهایت آزمودنی ها پس از پر نمودن رضایت نامه کتبی توسط دانش آموز و والدین در پژوهش حاضر شرکت کردند و پس از آن اندازه گیری های لازمه انجام گرفت.

دور کمر شامل محیط کمر در باریک ترین قسمت بین تاج خاصره تا زیر دنده دوازدهم گفته می شود که در حالی که آزمودنی روی دو پای خود ایستاد، و عضلات شکم در وضعیت آرام و بدون انقباض بود، در انتهای بازدم عادی باریک ترین قسمت بین تاج خاصره تا زیر دنده دوازدهم توسط متر نواری اندازه گیری شد. از ملاحظات اندازه گیری دور کمر این است که باید شکم خالی باشد (۱۸).

اندازه گیری دور باسن شامل اندازه ی محیط باسن در حجیم ترین نقطه آن می باشد که در حالی که آزمودنی ایستاده و

1. Kratenova
2. Romero-Vargas et al
3. Rosell et al
4. Ridola et al

ناحیه مورد نظر را به خود گرفت و هیچ گونه فضای خالی بین خط کش و ستون فقرات وجود نداشت (شکل ۲). سپس نقاط مشخص شده بر روی ستون فقرات بر روی خط کش نیز مشخص شد. در انتها خط کش از روی ستون فقرات جدا و بر روی کاغذ قرار داده شد و به وسیله مداد انحنای بر روی کاغذ رسم شد و نقاط مورد نظر بر روی انحنای رسم شده مشخص گردید. که در نهایت فاصله دو نقطه (L) و عمق انحنای (H) محاسبه گردید و اعداد به دست آمده داخل فرمول $\Theta = 4 \text{Arctan} 2H/L$ قرار داده شدند تا زاویه کایفوز و لوردوز به دست آمد (۲۰).

پاها در کنار هم بود حجیم ترین قسمت باسن توسط متر نواری اندازه گیری شد (۱۸). برای اندازه گیری میزان زوایای سر و شانه به جلو از روش عکسبرداری از نیمرخ بدن انجام گرفت که ابتدا سه نشانه آناتومیکی تراگوس گوش، برجستگی آکرومیون و زائده خاری مهره هفتم گردنی یک سمت مشخص و با لندمارک نشانه گذاری شد؛ سپس از آزمودنی خواسته شد تا در محل تعیین شده در کنار دیوار طوری بایستد که سمت نشانه گذاری نشده به طرف دیوار باشد. آنگاه سه پایه عکس برداری که دوربین دیجیتال نیز بر روی آن قرار داشت، در فاصله ۲۶۵ سانتی متری دیوار قرار گرفت و ارتفاع آن در سطح شانه آزمودنی تنظیم شد. سپس از آزمودنی خواسته شد که سه مرتبه به جلو خم شده و سه بار نیز دست هایش را به طرف بالا ببرد؛ سپس به صورت کاملاً راحت و طبیعی بایستد و نقطه‌ای فرضی را روی دیوار مقابل نگاه کند (چشم‌ها در راستای افق) و پس از ۵ ثانیه عکس از نیمرخ فرد گرفته شد (شکل ۱). در نهایت، عکس با استفاده از نرم افزار اتوکد^۱، تجزیه و تحلیل شد که زاویه خط واصل تراگوس گوش و زائده خاری مهره هفتم گردنی با خط عمود (زاویه سر به جلو) و زاویه خط واصل زائده آکرومیون و زائده خاری مهره هفتم گردنی با خط عمود (زاویه شانه به جلو) اندازه گیری شد (۱۹).

برای اندازه گیری میزان کایفوز و لوردوز از خط کش منعطف استفاده شد. محقق با مشاهده و لمس ستون فقرات توسط انگشتان مهره‌های دوم پستی، دوازدهم پستی، اول کمری و دوم خاجی را مشخص کرد. سپس نقاط مشخص شده علامت گذاری شد. و درحالی که آزمودنی روبه‌رو را نگاه می‌کرد و وزن بدن را به شکل مساوی روی دو پا قرار می‌داد و به صورت ریلکس ایستاده بود، خط کش منعطف بر روی ستون فقرات قرار داده شد به صورتی که شکل

1. Autocad



شکل ۱. نحوه‌ی لندمارک گذاری برای اندازه گیری زاویه سر به جلو و شانه به جلو شکل ۲. نحوه‌ی اندازه گیری کایفوز و لوردوز با استفاده از خط‌کش منعطف

برای تعیین نوع توزیع داده‌ها از آزمون شاپیروویک استفاده شد که مشخص گردید متغیرهای سر به جلو، شانه به جلو، کایفوز، لوردوز و کف پای صاف، توزیع طبیعی و متغیرهای زانوی ضربدری و زانوی پرانتری، توزیع غیر طبیعی داشتند؛ بنابراین برای مقایسه‌ی میانگین‌های متغیرهای با توزیع طبیعی از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و در صورت معنی داری تفاوت میانگین‌های این متغیرها برای تعیین محل تفاوت از آزمون تعقیبی شفه استفاده گردید و برای مقایسه‌ی میانگین متغیرهای با توزیع غیر طبیعی از آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس و در صورت معنی داری تفاوت میانگین‌های این متغیرها برای تعیین محل تفاوت از آزمون تعقیبی یومن ویتنی استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از نرم-افزار SPSS (ویرایش ۲۲) و در سطح معناداری $P \leq 0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها

به منظور توصیف گروه‌های پژوهش، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وزن، قد، شاخص توده بدنی، دور کمر، دور باسن، نسبت دور کمر به باسن، زاویه سر به جلو، زاویه شانه به جلو، زاویه کایفوز، زاویه لوردوز، میزان زانوی

برای اندازه گیری زانوی پرانتری آزمودنی بدون کفش و جوراب در حالی که زانوها و ران‌های وی دیده می‌شد بدون هیچ گونه انقباض و تنوس غیر طبیعی در عضلات ناحیه ران در حالی که زانوها در حالت اکستنشن بودند و قوزک‌های دو پا به هم چسبیده بود، ایستاد؛ در این حالت فاصله‌ی بین دو کندیل داخلی ران به وسیله‌ی کولیس اندازه گیری و ثبت شد (۲۰).

برای اندازه گیری زانوی ضربدری از فاصله بین قوزک‌های داخلی پا استفاده شد که آزمودنی بدون کفش و جوراب و با حداقل لباس به صورتی که زانو و ران‌ها دیده می‌شد و بدون هیچ گونه انقباضی در عضلات و با اکستنشن کامل و کشکک‌های روبه‌رو ایستاد؛ سپس فاصله‌ی بین دو قوزک داخلی با استفاده از کولیس اندازه گیری شد (۲۱).

برای اندازه گیری کف پای صاف از آزمون افت ناوی استفاده شد که ابتدا از فرد خواسته شد که روی صندلی بنشیند و پای خود را در حالت بی وزنی قرار دهد سپس زائده استخوان ناوی علامت و فاصله آن تا زمین اندازه گیری شد و از آزمودنی خواسته شد تا روی دوپای خود بایستد. در این حالت هم فاصله برجستگی استخوان ناوی با سطح زمین اندازه گیری شد؛ در نهایت اختلاف این دو حالت به عنوان افت ناوی در نظر گرفته شد (۲۰).

پرانتری میزان، زانوی ضربدیری و کف پای صاف در سه گروه محاسبه شده در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. ویژگی‌های توصیفی آزمودنی‌ها

میانگین ± انحراف استاندارد			متغیر
چاقی گلابی شکل	چاقی سیبی شکل	نرمال	
۱۶/۳۵ ± ۰/۵۷	۱۶/۳۸ ± ۰/۵۹	۱۶/۲۰ ± ۰/۵۸	سن (سال)
۹۸/۹۶ ± ۱۲/۵۳	۹۸/۸۸ ± ۱۰/۶۴	۷۰/۶ ± ۹	وزن (کیلوگرم)
۱۷۶/۷۰ ± ۷/۹۸	۱۷۷ ± ۵/۶۳	۱۷۷/۵۴ ± ۷/۷۵	قد (سانتی متر)
۳۱/۶۱ ± ۲/۳۹	۳۱/۵۰ ± ۲/۲۹	۲۲/۳۶ ± ۲/۱۴	شاخص توده بدنی (کیلوگرم بر مترمربع)
۰/۹۱ ± ۰/۰۳	۱/۰۷ ± ۰/۰۲	-	نسبت دور کمر به باسن (سانتی متر)
۱۰۰ ± ۶/۴۶	۱۰۸/۳۸ ± ۵/۵۲	-	دور کمر (سانتی متر)
۱۰۸/۷۴ ± ۵/۴۰	۱۰۰/۸۶ ± ۴/۲۲	-	دور باسن (سانتی متر)
۴۴/۵۶ ± ۴/۵۸	۴۵/۶۱ ± ۳/۵۵	۴۱/۵۱ ± ۵/۶۵	سر به جلو (درجه)
۴۴ ± ۸/۲۰	۴۷/۷۱ ± ۸/۱۸	۳۹/۲۸ ± ۷/۲۸	شانه به جلو (درجه)
۳۹/۷۸ ± ۸/۹۸	۴۰/۹۶ ± ۸/۶۴	۴۱/۵۰ ± ۶/۲۵	کایفوز (درجه)
۳۴/۹۵ ± ۹/۳۱	۴۱/۸۴ ± ۹/۹۲	۳۵/۲۸ ± ۹/۰۵	لوردوز (درجه)
۰/۵ ± ۱/۰۹	۰/۶۴ ± ۱/۶۱	۳/۸۲ ± ۱۰/۸۰	زانوی پرانتری (سانتی متر)
۴/۶۵ ± ۳/۲۵	۵/۶۶ ± ۴/۰۱	۰/۸۶ ± ۱/۷۱	زانوی ضربدیری (سانتی متر)
۹/۸۷ ± ۲/۴۷	۱۰/۳۳ ± ۲/۳۰	۷/۷۴ ± ۲/۷۵	کف پای صاف (میلی متر)

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه کروسکال والیس برای مقایسه متغیرهای با توزیع غیر طبیعی متغیرهای با توزیع طبیعی در جدول (۲) و نتایج آزمون در جدول (۳) آمده است.

جدول ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه ناهنجاری‌های سر به جلو، شانه به جلو، کایفوز، لوردوز و کف پای صاف در آزمودنی‌های با

چاقی سیبی شکل، گلابی شکل و نرمال

مقدار P	مقدار F	درجه آزادی	مجذور میانگین	
۰/۰۰۶*	۵/۴۴۵	۲	۱۲۹/۲۰۰	ناهنجاری سر به جلو
۰/۰۰۱*	۷/۹۸۷	۲	۴۸۵/۸۸۱	ناهنجاری شانه به جلو
۰/۷۱۲	۰/۳۴۱	۲	۲۰/۶۳۳	کایفوز
۰/۰۲۴*	۳/۹۴۱	۲	۳۴۵/۵۳۲	لوردوز
۰/۰۰۰۱*	۸/۴۴۰	۲	۵۴/۹۱۸	کف پای صاف

* تفاوت معنی دار (P ≤ ۰/۰۱)

جدول ۳: نتایج آزمون کروسکال والیس برای مقایسه ناهنجاری زانوی پراتنزی و زانوی پراتنزی در آزمودنی‌های با چاقی سیبی شکل، گلابی شکل و نرمال

مقدار P	درجه آزادی	میانگین رتبه‌ها	نوع چاقی	
۰/۰۰۰۱*	۲	۵۰/۴۴	نرمال	زانوی پراتنزی
		۳۱/۵۰	سیبی شکل	
		۳۱/۸۷	گلابی شکل	
۰/۰۰۰۱*	۲	۲۴/۸۵	نرمال	زانوی ضربدری
		۵۴/۶۰	سیبی شکل	
		۴۹/۷۰	گلابی شکل	

* تفاوت معنی‌دار (P ≤ ۰/۰۱)

نرمال (P=۰/۰۰۲) و اختلاف بین گروه چاقی گلابی با گروه نرمال (P=۰/۰۰۱) وجود دارد.

بحث

نتایج مطالعه حاضر در عارضه لوردوز اختلاف معناداری بین گروه چاقی سیبی شکل با گروه چاقی گلابی شکل و همچنین گروه چاقی سیبی شکل با گروه نرمال نشان داد که میزان لوردوز در گروه چاقی سیبی بالاتر از گروه چاقی گلابی و گروه نرمال بود؛ هم راستا با مطالعه حاضر سونتاری و همکاران (۲۰۱۵) (۲۲)؛ علامی و همکاران (۱۳۹۴) (۲۳)؛ دادبان و همکاران (۲۰۱۳)، طاهری تیزابی و همکاران (۲۰۱۲) این نتیجه را تایید کردند در حالی که متناقض با یافته مطالعه حاضر رومر وارگاس و همکاران (۲۰۱۲)؛ لانگک تاپیا^۱ و همکاران (۲۰۱۱)، ارتباطی بین عارضه لوردوز با چاقی نیافتند. با توجه به این که نسبت دور کمر به دور باسن، شاخصی برای نشان دادن توزیع چربی در افراد چاق بوده که بر اساس آن نوع چاقی از لحاظ ریخت شناسی تعیین می‌شود (۱۸)؛ رومروارگاس و لانگک تاپیا از این شاخص استفاده نکرده و چاقی را به عنوان یک واحد کل بر بدن مطالعه کرده‌اند و دو نوع چاقی سیبی و گلابی شکل را در یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر مورد بررسی قرار داده‌اند که در این حالت میزان زاویه

اطلاعات جدول ۲ نشان داد که در ناهنجاری کایفوز اختلاف معناداری میان گروه‌ها وجود ندارد (P=۰/۷۱۲) اما در ناهنجاری‌های سر به جلو، شانه به جلو، لوردوز و کف پای صاف تفاوت معنی داری بین سه گروه مورد بررسی وجود دارد که با استفاده از آزمون تعقیبی شفه برای تعیین محل تفاوت نشان داده شد که در عارضه سر به جلو اختلاف معنی داری بین گروه چاقی سیبی شکل با گروه نرمال (P=۰/۰۱)، در عارضه شانه به جلو اختلاف معنی داری بین چاقی سیبی شکل با گروه نرمال (P=۰/۰۰۱)، در عارضه لوردوز اختلاف معنی داری بین گروه چاقی سیبی شکل با گروه نرمال (P=۰/۰۴) و گروه چاقی سیبی شکل با گروه چاقی گلابی شکل (P=۰/۰۴)؛ و در عارضه کف پای صاف اختلاف معناداری بین گروه چاقی سیبی شکل با گروه نرمال (P=۰/۰۰۲) و گروه چاقی گلابی شکل با گروه نرمال (P=۰/۰۰۲) وجود دارد. همچنین اطلاعات جدول ۳ نشان داد که در ناهنجاری‌های زانوی ضربدری و زانوی پراتنزی تفاوت معناداری بین سه گروه مورد بررسی وجود دارد با استفاده از آزمون تعقیبی یومن ویتنی برای تعیین محل تفاوت نشان داده شد که در عارضه زانوی پراتنزی اختلاف معنی داری بین گروه‌های چاقی سیبی و گلابی با گروه نرمال (P=۰/۰۰۰۱)، در عارضه زانوی ضربدری اختلاف معنی داری بین گروه چاقی سیبی با گروه

1. Lang- Tapia

نتایج مطالعه حاضر در عارضه زانو ضربیدی و زانوی پرانتری اختلاف معناداری بین گروه نرمال با گروه‌های چاقی سببی و گلابی شکل نشان داد به این صورت که میزان زانوی ضربیدی در دو گروه چاقی سببی و گلابی بیشتر از گروه نرمال و میزان زانوی پرانتری در گروه نرمال بیشتر از گروه‌های چاقی سببی و گلابی شکل بود؛ که نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های گذشته همخوانی بالایی دارد از جمله: جانکووایز و همکاران (۲۰۱۶) (۲۶)؛ روسل و همکاران (۲۰۱۰)؛ رحمانی نیا و همکاران (۱۳۸۸) (۲۷) این نتایج را تایید کرده‌اند. همچنین نتایج مطالعه حاضر در عارضه کف پای صاف اختلاف معناداری بین گروه‌های چاقی سببی و گلابی با گروه وزن نرمال نشان داد به صورتی که عارضه کف پای صاف در گروه‌های چاقی سببی و گلابی شکل بیشتر از گروه با وزن نرمال بود که با نتایج پژوهش‌های پیشین همخوانی بالایی دارد از جمله جانکووایز و همکاران (۲۰۱۶) (۲۶)؛ راجان^۱ (۲۰۱۵) (۲۸) و کریمی و همکاران (۱۳۹۵) (۲۹) نشان دادند چاقی می‌تواند عاملی برای بروز عارضه کف پای صاف باشد. با توجه به بالا رفتن وزن و وارد آمدن استرس بر لیگامان‌های کف پا، همچنین تکرار بار اضافی در طول عمر باعث کشش و کاهش قدرت لیگامان‌های کف پا و عامل ایجاد کف پای صاف در این افراد است (۲۹)؛ ناهنجاری کف پای صاف نیز موجب تغییر بیومکانیکال در جهت نیروها و اثر بر مفصل زانو و در نتیجه برهم خوردن راستای آن و ایجاد ناهنجاری زانوی ضربیدی می‌شود (۲۶). بنابراین با توجه به نتایج مطالعه حاضر و همخوانی بالای این نتایج با نتایج مطالعات گذشته می‌توان نتیجه گرفت که چاقی باعث ایجاد کف پای صاف و زانوی ضربیدی می‌شود.

نتایج این مطالعه اختلاف معناداری بین گروه‌ها در عارضه کایفوز نشان نداد. نتایج پژوهش دادبان و همکاران (۲۱۰۳)

لودوز در دو نوع چاقی می‌توانند یکدیگر را خنثی کنند و باعث تغییر در نتایج تحقیق شوند این امر می‌تواند دلیل اختلاف نتایج این مطالعات با نتایج مطالعه حاضر باشد. همچنین نحوه توزیع چربی اضافی در بدن می‌تواند موجب جابجایی مرکز ثقل بدن به سمت قسمتی که تراکم چربی در آن بیشتر است بشود (۲۴)؛ که در چاقی سببی شکل، چربی در ناحیه سینه‌ها، شکم و پهلوها انباشته می‌شود؛ بنابراین مرکز ثقل به سمت بالا و جلو جابجا می‌شود که تغییر در مختصات مرکز ثقل با جابجایی خط کشش ثقل همراه بوده که در چاقی سببی شکل به سمت قدام ستون فقرات می‌باشد. بنابراین طبق اصول بیومکانیکی بازوی مقاوم و از سوی دیگر میزان نیروی مقاوم (نیروی وزن) افزایش می‌یابد (۲۲) نیروی وزن بر تمامی مفاصل بین مهره‌ها وارد شده و تنش بیشتر در مفاصلی است که بیشترین دامنه حرکتی را دارا هستند. مانند مفصل بین مهره چهارم و پنجم کمری و مفصل بین مهره پنجم کمری با مهره اول خاجی (۲۵). بنابراین در طول عمر بدن طی یک سازوکار جبرانی تمایل دارد که مرکز مفاصل را به خط کشش ثقل نزدیک کند تا با این کار بازوی مقاوم کاهش یافته و مزیت مکانیکی مفصل بهتر شود که در نهایت مفصل به یک پایداری نسبی دست یابد. و این سازوکار با افزایش قوس کمری انجام می‌گیرد.

همچنین نتایج مطالعه حاضر در عارضه سر به جلو و شانه به جلو اختلاف معناداری بین گروه چاقی سببی شکل با گروه نرمال نشان داد؛ هم راستا با مطالعه حاضر ریدولا و همکاران (۱۹۹۳) (۱۷) و روسل و همکاران (۲۰۱۰) (۱۱) این نتایج را تایید کردند که همان طور که بیان شد با توجه به جلو آمدن مرکز ثقل در افراد با چاقی سببی شکل ممکن است شانه‌ها در یک سازوکار جلو آمده و شانه به جلو ایجاد شود؛ همچنین عارضه سر به جلو در یک وضعیت جبرانی نسبت به لوردوز کمری و شانه به جلو ایجاد می‌شود (۱۷).

1. Rajan

نشان داده و این موضوع نیز می‌تواند از دلایل احتمالی عدم اختلاف معنادار این عارضه در بین گروه‌ها باشد.

نتیجه گیری

با توجه به تقسیم بندی گروه‌ها براساس وضعیت وزن و نوع چاقی احتمال می‌رود عامل اختلاف بین گروه‌ها همین امر؛ یعنی وزن و نحوه‌ی انباشت چربی اضافی در بدن باشد و باتوجه به این که چاقی سیبی و گلابی شکل اثرات متفاوتی بر روی ساختار قامتی و میزان عارضه‌ها در بدن دارند لذا توصیه می‌شود برنامه‌های تمرینی اصلاح قامت و کنترل وزن افراد چاق براساس نوع چاقی این افراد تهیه و اعمال شود.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهشگر می‌باشد، لذا جای دارد از اساتید راهنما کمال تشکر را بجای آورده و همچنین از همکاری صمیمانه آموزش و پرورش شهر سنج و کلیه آزمودنی‌های پژوهش تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

(۱۰)، طاهری تیزابی و همکاران (۲۰۱۲) (۳۰) و لانگک تاپیو همکاران (۲۰۱۱) (۳۱) این نتایج را تایید می‌کنند در حالی مخالف با نتایج پژوهش حاضر یافته‌های پژوهش علامی و همکاران (۱۳۹۴) (۲۳) اختلاف معناداری بین چاقی سیبی با گلابی شکل در عارضه کایفوز گزارش نمود. البته مطالعه علامی و همکاران بر روی دختران مقطع راهنمایی صورت گرفت که نتایج مطالعات گذشته نشان داده است که میزان کایفوز در دختران بیشتر از پسران می‌باشد (۳۲)؛ بنابراین دلیل اختلاف نتیجه مطالعه حاضر با مطالعه علامی و همکاران می‌تواند اختلاف در جنسیت آزمودنی‌ها باشد. همچنین با توجه به این که تجمع و تغییرات قابل توجه توده چربی در ناحیه شکم و باسن افراد چاق اتفاق می‌افتد و نیز با وجود ارتباط عضلانی- لیگامانی ناحیه شکم و لگن با ستون فقرات کمری، به نظر می‌رسد قوس لوردوز کمری نسبت به کایفوز پشتی تأثیر پذیری بیشتری نسبت به تغییرات وزن

Reference

1. Shahrokhi H, Daneshmandi H, Javaheri A. The study of anthropometric predictor parameters of spine alignment in athletes. *Journal of Sport Medicine*. 2012;3:73-89. [In Persian].
2. Kendall FB, McCreary EK, Kendall HO. *Muscle Testing and Function*. 4th ed. Baltimore, MD: Williams and Wilkins. 1993. 215-226.
3. Stroebel S, De Ridder JH, Wilders CJ, Ellis SM. Influence of body composition on the prevalence of postural deformities in 11 to 13 year old black south African children in the north west province. *South African Journal for Research in Sport, Physical Education & Recreation (SAJR SPER)*. 2012;34:41-51
4. Zagyapan R, Iyem C, Kurkcuoglu A, Pelin C, Tekindal MA. The relationship between balance, muscles, and anthropomorphic features in young adults. *Anatomy Research International*. 2012; 1:1-6
5. Quka N, Stratoberdha D, Selenica R. Risk factors of Poor posture in children and its prevalence. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*. 2015;4:97.
6. Salehi-Abargouei A, Esmailzadeh A, Azadbakht L, Keshteli AH, Feizi A, Feinle-Bisset C, et al. Nutrient patterns and their relation to general and abdominal obesity in Iranian adults: findings from the Sepahan study. *European journal of nutrition*. 2016;55:505-18.

7. Da Silva LR, Rodacki ALF, Brandalize M, Lopes MdFA, Bento PCB, Leite N. Postural changes in obese and non-obese children and adolescents. *Rev Bras Cineantropom Performance Hum.* 2011;13:448-54
8. Taylor ED, Theim KR, Mirch MC, Ghorbani S, Tanofsky-Kraff M, Adler-Wailes DC, et al. Orthopedic complications of overweight in children and adolescents. *American Academy journal of Pediatrics.* 2006;117:2167-74.
9. Han T, Lean M. Anthropometric indices of obesity and regional distribution of fat depots. *International textbook of obesity Chichester, United Kingdom: John Wiley.* 2001; 51-65.
10. Minoo D, Nasser B, Mahmood S. Prevalence and causes of postural deformities in upper and lower extremities among 9-18 years old school female in Golestan province. *European Journal of Experimental Biology.* 2013;3:115-21.
11. Rosell AA, Fregonesi C, Camargo M, Mantovani AM, Purga MO, Freitas Junior I, et al. Prepubescents and pubescents overweight postural characterization. *Brazilian Journal of Biomotricity.* 2010;4:104-14.
12. Nguyen A-D, Shultz SJ. Identifying relationships among lower extremity alignment characteristics. *Journal of Athletic Training.* 2009;44:511-8.
13. Penha PJ, Baldini M, João SMA. Spinal postural alignment variance according to sex and age in 7-and 8-year-old children. *Journal of Manipulative and Physiological therapeutics.* 2009;32:154-9.
14. Gillearn W. Functional task limitations in obese adults. *Current Obesity Reports.* 2012;1:174-80.
15. Kratěnová J, Žejglicová K, Malý M, Filipová V. Prevalence and risk factors of poor posture in school children in the Czech Republic. *Journal of School Health.* 2007;77:131-7.
16. Romero-Vargas S, Zárate-Kalfópulos B, Otero-Cámara E, Rosales-Olivarez L, Alpízar-Aguirre A, Morales-Hernández E, et al. The impact of body mass index and central obesity on the spino-pelvic parameters: a correlation study. *European Spine Journal.* 2013;22:878-82.
17. Ridola C, Palma A, Ridola G, Sanfilippo A, Almasio P, Zummo G. Changes in the lumbosacral segment of the spine due to overweight in adults. Preliminary remarks. *Italian Journal of Anatomy and Embryology.* 1993;99:133-43.
18. Han T, Lean M. Anthropometric indices of obesity and regional distribution of fat depots. *International textbook of obesity Chichester, United Kingdom: John Wiley.* 2001;51-65.
19. Thigpen CA, Padua DA, Michener LA, Guskiewicz K, Giuliani C, Keener JD, et al. Head and shoulder posture affect scapular mechanics and muscle activity in overhead tasks. *Journal of Electromyography and Kinesiology.* 2010;20:701-9.
20. Rajabi R, Samadi H. *Corrective exercises Laboratory.* Tehran: University of Tehran Publishers. 2014;73-82 [In Persian].
21. Ackland TR, Elliott B, Bloomfield J. *Applied anatomy and biomechanics in sport: Human Kinetics.* Blackwell Publishers. 2009; 156-172.
22. Tawetanalarp S, Purepong N. Comparison of lumbar spinal angle between normal body mass index and overweight young adults. *Journal of Physical Therapy Science.* 2015;27:2343.
23. Allami A, Golpayegani M, Shahjerdi S. Kyphosis in apple-shaped and pear-shaped obesity. *Scientific Journal of Kurdistan University of Medical Sciences.* 2015; 20:Pe41-Pe51, En5. [In Persian].

24. Letafatkar K, Hadadnezhad M, Arashpour H, Bakhsheshi Heris M. Effects of weight, gender and number of pregnancies on lumbar total and segmental lordosis and low back pain. *Journal of Research in Rehabilitation Sciences*. 2010; 4:137-143. [In Persian].
25. Magee DJ. *Orthopedic physical assessment: 4th December*. Elsevier Health Sciences Publishers; 2014; 179-184.
26. Jankowicz-Szymanska A, & Mikolajczyk E. Genu valgum and flat feet in children with healthy and excessive body weight. *Pediatric Physical Therapy*. 2016; 28:200-206.
27. Rahmaninia F, Daneshmandi H. Relationship between body weight girls students with lower limb deformities. *Harakat* 2007; 33: 31-45. [In Persian].
28. Balakrishnan R, Jacob S, & Nair D. To study the effectiveness of corrective exercises and insole placement on flatfoot in overweight individuals. *International Journal of Physical Education, Sports and Health* 2015; 2: 184-188
29. Karimi S, Kashi O, Admadimanesh V, Moradi A. The relationship between anthropometric factors and flat feet. *The Scientific Journal of Rehabilitation Medicine*. 2016; 5:126-34. [In Persian].
30. Tizabi AAT, Mahdavinejad R, Azizi A, Jafarnejadgero T, Sanjari M. Correlation between height, weight, BMI with standing thoracic and lumbar curvature in growth ages. *World J Sport Sci* 2012;7:54-6.
31. Lang-Tapia M, España-Romero V, Anelo J, Castillo MJ. Differences on spinal curvature in standing position by gender, age and weight status using a noninvasive method. *J Appl biomechanics*. 2011;27:143-50.
32. Wyszynska J, Podgorska-Bednarz J, Drzał-Grabiec J, Rachwal M, Baran J, Czenczek-Lewandowska E, et al. Analysis of relationship between the body mass composition and physical activity with body posture in children. *BioMed Research International*. 2016; 1-10.